

کنند . آموزش می دهند و آماده خدمت می کنند تا برسند به پنجاه ، شصت سال . انگلیس هم کار خودش را می کند ، دیگران هم همینطور . اما در مورد امینی دوستان من خیال می کردند يك نیروی است ، يك آدم قوی است ، می گفتند با شاه یکی به در کرده است . البته کسی نگفت که این عضو سیا هست یا خیر ، گفتند بیائید با امینی اقلای همکاری بکنید . گفتم با امینی من ممکن است روی سه - چهار موضوع توافق بکنم . چون امینی اصلاً لیبرالیسم اقتصادی اثباتش و من لیبرالیسم اقتصادی را قبول ندارم . یعنی نمی گویم که همه چیز باید برنامه ریزی بشود و برگردیم به سیستم فرماندهی استالینی . ولی آنچه که باید در خدمت همه مردم باشد را نمی توان داد به فلان حاجی آقا . امینی سر و کارش با حاج آقا بازاری است که نمازش را می خواند و خودش هم نماز می خواند و يك پا آخوند است . خانم فخر الدوله او را داوطلب کرده بود و عمامه هم به سرش گذاشته بود ند و فرستاده خودش نجف . روی این بود که من می خواستم موافقت او را در باره جدائی دین از سیاست بگیرم .

راه آزادی : آیا این موافقت نامه هنوز ارزش دارد ؟

ش . بختیار : نه نه تقریباً مرده است .

راه آزادی : می رسم به سؤال آخر : شما در جزوه ای که چند سال پیش تحت عنوان « مبانی عقیدتی - سیاسی و برنامه اجرایی » تان منتشر کرده اید ، اندیشه فلسفی خودتان را روی سه اصل میهن پرستی ، آزادی و سوسیالیسم استوار دانسته اید و آنجا نوشته اید که سوسیالیسم را به عنوان يك ابزار توانا برای برپا داشتن يك عدالت اجتماعی می شناسید . آیا هنوز به این اصول معتقد هستید ؟

ش . بختیار : یله كاملا . البته سوسیالیسم معنای مارکسیستی ندارد . آنرا سوسیالیسم علمی می گویند و خیلی ها هم جواب آن را داده اند . به نظر من حس انساندوستی و حق قائل شدن و حق پرستی در سوسیالیسم بیش از سایر دکتورین ها مقبول است . از این جهت این ابزار بسیار خوبی است که انسان در يك نظام بکار بیفتد ، ولی این دلیل نمی شود که به مارکسیسم یا استالینیسم بگردد . من در جای دیگر آن جزوه نوشتم که انسان و انساندوستی مرکز این فکر منست . همه چیز باید در خدمت سعادت انسان باشد . حالا اگر سلطنت است ، جمهوری و یا هر چیزی است ، باید در خدمت انسان باشد .

راه آزادی : از اینکه دعوت ما را برای مصاحبه پذیرفتید تشکر

می کنیم .

دارد . او همه معایب را به نظر من دارد . البته عده ای هم هستند که رویشان واقعاً زیاد است . تمام کمک ها را به خمینی کرده اند و بعد می گویند چرا دکتور بختیار از قانون اساسی صحبت می کرد . انقلاب کردیم برای این کار . انقلاب کردیم که به اینجا برسیم ؟ اگر همان قانون اساسی را اجرا می کردی ، ضررش خیلی کمتر بود . حالا مللیکار هم هستند . من مطمئنم مردم خیلی از اینها که در خارجند و خودشان را رهبر ملت می دانند ، نخواهند بخشید . البته در این میان نباید از نقش دولتهای خارجی هم قائل ماند . اینها ظاهراً می گویند تا متحد تشویب نمی توانیم ببینیم چه حرفی برای زدن درباره ایران دارید . اما در واقع مخالف اینند . خلاصه هدفشان اینست همه این ها را جمع و جور کنند تا بتوانند از آنها سواری بگیرند . لذا به نظر من آدمهای دمکرات نمی توانند تابع قدرت های بزرگ بشوند . قدرتهای بزرگ هم مایل نیستند در ایران دمکراسی باشد . هیچوقت حاضر نیستند . دیگر با ماست که لیاقت این را داشته باشیم . ما باید به اینها بگوئیم که چه شما بخواهید ، چه نخواهید ، مملکت مال ماست و ما می خواهیم اینطور باشد . قدرت های بزرگ با همه حماقت هائی که کرده اند ، درک کرده اند که بهتر است در ایران يك حکومت ملی نباشد . متأسفم این را بگویم ، چون نا امیدکننده است . والله ببخشید مثلاً این درفش کاپیتانی از کجا آمده ؟ این را چه کسی آورد ؟ این ها کی در ایران فعال بودند . اینها اصلاً تا مهر بردگی و بندگی پر پیشانی شان درست نخورده باشد و درست امتحان خودشان را پس نداده باشند ، اصلاً با اینها صحبت نمی کنند .

راه آزادی : خارج از این موضوع ، شما طرح می کنید که در رابطه با بیان نامه مشترک با امینی ، به نوعی « سیا » دست داشته است ؟

ش . بختیار : پیشتر گفتم ، دوستان اصرار داشتند شما هرکسی را که می خواهید پیشنهاد کنید که ائتلافی ، نزدیکی صورت گیرد . پنج ، شش نفر را می گفتند مثل اوپسی را که کشتند . این کار اصلاً برایم ممکن نبود . گفتم اگر این کار را بکنم ، طرفدارانم فرار می کنند . بالاخره رسید به امینی . اما هیچ کسی از « سیا » در میان نبود . ولی الان تمام کار هایی که می کنند ، همه این آقایانی که سیانی هستند و ما هم آنها را می شناسیم و در شاهزاده هم حلقه زده اند ، همه شان ابرائیند . ولی خوب عید و عیدند اینها را از سال اول دانشگاه که می روند امریکا انتخاب می